بيانات معظم له در ديدار جمع كثيرى از رزمندگان عمليات بيت المقدّس به مناسبت سالروز آزادى خرّمشهر - 3 /خرداد/ 1378

بسم اللّه الرّحمن الرّحيم
برادران و خواهران عزيز و رزمندگان سربلند و پُرافتخار ؛ خيلى خوش آمديد. بحمداللّه مجلس ما با نام شريف شهداى بزرگمان - شهيد محمّد جهان آرا، شهيد صيّاد شيرازى، شهيد محمّد بروجردى و بقيه شهداى عاليقدر - معطّر و مشرّف شد.
هزاران انسان فداكار و آگاه، با فهم موقعيت و شناخت نياز زمان، در همان نقطه اى كه بايد در آن حضور داشته باشند، حضور پيدا كردند ؛ نتيجه يك حماسه تاريخى و ماندگار شد. حماسه فتح خرّمشهر و عمليات عظيم بيت المقدّس، در تاريخ اين كشور خواهد ماند. هم در آن روزى كه اين حادثه اتّفاق افتاد، هم هر وقت كه اين گونه حوادث براى افكار مردم تشريح گردد و توضيح داده شود، وسيله اى براى تجديد حيات ملى و آسان كردن راه عزّت و عظمت براى يك ملت مى شود. عزيزان من! عمليات بيت المقدّس و عمليات عظيمى كه در آن روزها اتّفاق افتاد، كار پيچيده عظيمى بود كه از دو عامل تركيب شده بود:
عامل اوّل، دانش نظامى و قوّت فرماندهى و هوشيارى و استعداد جوانان مؤمن ما بود. در آن روز كسانى وانمود مى كردند - و شايد امروز هم بعضى خيال كنند - كه عملياتى مثل عمليات بيت المقدّس، فقط يك هجوم انبوه انسانى بود! اينها سخت در اشتباهند. هيچ امواج انسانى، بدون فرماندهىِ قادر قاطعِ هوشيار، نمى تواند هيچ عملى را انجام دهد. در جنگ نظامى، سازماندهى و عمليات و فرماندهى و تاكتيك و دقّت نظر و موقع شناسى و دهها عامل در كنار هم، دانش نظامى را به وجود مى آورد و استعداد و نبوغ نظامى را نشان مى دهد. اين اتّفاق، در عمليات فتح خرّمشهر -يعنى همان عمليات بيت المقدّس - روى داد، كه همين شهيد عزيز اخير ما - شهيد صيّاد شيرازى - يكى از كارگردانان اصلى اين عمليات بود و خودِ او مثل ظهر چنين روزى، از آن جا با تلفن با بنده تماس گرفت و مژده پيروزى را داد و گفت سربازان عراقى صف طولانى كشيده اند تا بيايند اسير شوند! ببينيد اين عمليات چقدر هوشمندانه و قوى و همه جانبه بود كه نيروهاى دشمن احساس اضطرار مى كردند كه براى حفظ جان خودشان بيايند خود را تسليم اسارت كنند! كه در آن روز هزاران نفر از نيروهاى دشمن متجاوز - كه آن همه با غرور و تكبّر، فرياد سر داده بودند - آمدند دودستى خودشان را تسليم رزمندگان اسلام كردند! بنابراين، يك عامل از دو عامل مهمّ چنين پيروزيهاى مهمّى، قدرت فرماندهى، دانش، مسلّط بودن بر عمليات پيچيده جنگ و توان بكارگيرى نيروها بود، كه آن روز هم دشمنان ما در تبليغات خودشان اينها را مخفى مى كردند و مى گفتند ايران امواج انسانى را به جنگ فرستاد! مگر امواج انسانى مى تواند پيروز شود؟! چند قبضه مسلسل از چند طرف كار بگذارند، همه امواج انسانى را درو خواهد كرد. نخير، فقط امواج انسانى نبود ؛ فقط انبوه جمعيت نبود ؛ قوّت سازماندهى بود، قوّت اراده بود، نيروى نظامى بود.
عامل دوم كه از عامل اوّل مهمتر است، نيروى ايمان و شجاعت ناشى از قوّت ايمان رزمندگان و مردم و جوانان بود ؛ يعنى عشق ايمانى - نه عشق حيوانى، نه عشق مادّى، نه عشق به چيزهاى خُرد و حقير - عشق به ارزشها ؛ عشق به آرمانهاى الهى و اسلامى ؛ همان چيزى كه كشته شدن در راه خدا را براى كسى كه چنين عشقى را دارد، شيرين مى كند ؛ نه اين كه آسان مى كند، شيرين مى كند. پيامبر اكرم به اميرالمؤمنين فرمود: «يا على! آن روزى كه به تو ضربتى مى زنند و اين ضربت، به شهادتت منتهى خواهد شد، صبر تو چگونه خواهد بود؟» اميرالمؤمنين عرض كرد: «يا رسول اللّه! اين موضع صبر نيست ؛ اين موضع شُكر است.» كسى كه در راه خدا به شهادت مى رسد، بزرگترين شاكر خدا براى اين {P . بحارالانوار، ج 32، ص P 243}
حادثه، خود اوست ؛ زيرا كه چنين نعمت بزرگى را خداى متعال به او داده است. چه چيزى يك رزمنده، يك جوان و يك انسان را در ميدانهاى گوناگون، اين گونه به روشن بينى مى رساند؟ ايمان آگاهانه. عزيزان من! اين ايمان

آگاهانه در رزمندگان، موجب این می شد که خطر را به هیچ بگیرند. در فرماندهان موجب این می شد که لحظه ای به راحتی خود و یا به خطر برای خود فکر نکنند. شب و روز تلاش و کار کردند ؛ حیثیت حقیر خودی را نادیده گرفتند ؛ برای خدا و برای اهداف اسلام و برای آزادی و سربلندی ملت مسلمان، حاضر شدند جان خودشان را بدهند. هر ملتی که این طور احساسی در او باشد، شکست خوردنی نیست. چه کسی می تواند چنین ملتی را شکست دهد؟ همه زورگوییهای قلدران دنیا به این است که جان کسی را تهدید کنند ؛ بالاترینش این است. اگر کسی حاضر شد جان خود را در راهی بدهد، دیگر چه تهدیدی بر او کارگر خواهد شد؟

من می خواهم عرض کنم، حتّی همان عامل اوّل هم - یعنی آن قوّت فرماندهی و دانش نظامی و تسلّط بر امر نظامی گری - از این عامل دوم ناشی شد. همین نیروی ایمان بود که توانست ارتش و سپاه و بقیه عناصری را که در جنگ شرکت داشتند - مثل نیروهای مردمی، مثل جهاد سازندگی، مثل عشایر - به نقطه ای برساند که بتوانند یك نیروی عظیم نظامی را با یك فرماندهی قوی و قاطع به وجود آورند. این ایمان و این عشق معنوی بود که آن استعداد را در آنها به جوشش درآورد، والّا ما قبل از این هم در این کشور جنگهایی داشتیم که نیروهای ما نتوانستند آن جایگاه شایسته را برای خود کسب کنند. این قوّت ایمان بود که قدرت فرماندهی را پدید آورد. پس، همه چیز به این برمی گردد که اگر جوانان و مردم یك کشور، ایمانشان به خدا، ایمانشان به هدف، احساس فداکاریشان در راه هدف، احساس این که خود را جزو حزب اللّه و جندالله بدانند، تقویت شد، این ملت شکست ناپذیر می شود.

من می خواهم بعد از این حرف، بلافاصله یك حرف دیگر را عرض کنم، و آن این است که اگر این ملتی که با نیروی ایمان و با شجاعت ناشی از ایمان توانسته کار بزرگی را انجام دهد، یك دشمن داشته باشد، این دشمن چه کار می کند؟ خودتان فکر کنید. راه غلبه دشمن بر چنین ملتی چیست؟ راه غلبه دشمن این است که این عامل معنوی را از این ملت بگیرد. این دشمن می داند که تا وقتی در این مردم، همان روحیه ایمان - آن اخلاص ایمانی، آن شجاعت ایمانی، آن دلبستگی به هدفها - باشد، این ملت قابل دسترسی نیست. چه کار باید بکند؟ باید تلاش کند تا ایمان را در آنها ضعیف کند ؛ آرمانهای الهی را در ذهن آنها کمرنگ کند ؛ میان آنها و آن آرزوهای بزرگ فاصله بیندازد. این کار هم با شمشیر و با ابزار مدرن و فوق مدرن نمی شود ؛ این کار با تبلیغات می شود. از بعد از جنگ، بلکه در اثنای جنگ، این تبلیغات دشمن شروع شده است و تا امروز ادامه دارد.

من عرض می کنم، هر کس که به سرنوشت این ملت و این کشور علاقه مند است، باید در راه تقویت ایمان این ملت، در راه تقویت ایمان جوانان، در راه تقویت تدیّن جوانان و در راه تقویت پیوند جوانان با آرمانهای اسلامی مجاهدت کند. هر کس که ضد این عمل کند، به سرنوشت این ملت علاقه مند نیست ؛ یا جزو نیروی دشمن است، یا فریب خورده است. این جاست که وظیفه آگاهان و روشنفکران و گویندگان و نویسندگان و مسؤولان و هر عنصر از عناصری که می تواند بر روی ذهن مردم اثر بگذارد، روشن می شود. دشمن از ایمان و از غیرت دینی مردم سیلی خورده است ؛ او حق دارد که با غیرت دینی دشمن باشد ؛ اما دوست نباید به او کمك کند. آن کسانی که به عزّت ایران اسلامی علاقه مندند، باید تلاش کنند که روزبه روز بر غیرت دینی مردم و جوانان و پایبندی آنان بیفزایند. بحمداللّه جوانان مملکت، جوانان مؤمن و سالمی هستند. خوشبختانه نسل جوان ما، یك نسل سالم است. نگاه نکنید به موارد استثنایی در گوشه و کنار که تحت تأثیر تبلیغات دشمن، رفتارها و گفتارها و ذهنیّتهای غلطی را از خودشان نشان می دهند ؛ اینها نمایشگر نسل جوان ما نیستند. نسل جوان ما همان نسلی است که امروز هم اگر پای امتحان پیش آید، اگر صحنه خونین شهر پیش آید، اگر میدان مجاهدت فی سبیل اللّه پیش آید، نشان خواهد داد که از بن دندان به اسلام پایبند است.

آن روز جوانان ما با جوشش استعدادهای خودشان توانستند آن کارهای بزرگ را بکنند ؛ امروز هم ما کارهای بزرگی در مقابل خودمان داریم. ولو از نوع جنگ و از نوع حضور در جبهه ها نیست ؛ اما کارهای بزرگ، همیشه بزرگ است و همیشه به ایمان، به صفا، به غیرت دینی، به ایستادگی در راه خدا و به آشتی ناپذیری با دشمن احتیاج دارد. این را جوانان ما دارند و ان شاءاللّه باز هم خواهند داشت. امیدواریم به برکت و حرمت خونهای معطّر و مطهّر جوانان ما که در عملیات بیت المقدّس و عملیات قبل از آن و بعد ازآن، و در طول دوران انقلاب تا امروز، در راه خدا ریخته شده

است، ان شاءاللّه جوانان و مردم ما همیشه در راه خداثابت قدم و استوار باشند و دشمن را ناکام کنند و دشمن نتواند جای پایی در ملت ما پیدا کند و ان شاءاللّه پیدا نخواهد کرد.
والسّلام علیکم و رحمةاللّه و برکاته